

#### حرف درشت

### کشف تنها ابراهیم حاتم‌ی کیای جهان!



پورتیا عالمی

• شما از چی ناراضی هستی؟ من از اینکه از همه‌چیز راضی هستم ناراضی هستم.
• آیا کسی حق شما را خورده؟ من از اینکه کسی حق من را نمی‌توانسته بخورد ناراضی هستم.
• آیا کسی به شما امکانات، حمایت، اسپانسر و... نداده؟ من از اینکه همه امکانات و... را به من داده‌اند ناراضی هستم.

• آیا شما از آلودگی هوا ناراضی هستی؟ من از اینکه فقط هوای من را دارند و هوای بقیه پس است ناراضی هستم.

• شما به صورت کلی به چی اعتراض داری؟ من به اینکه چرا همه به همه‌چی اعتراض دارند، آن هم وقتی که من به چیزی اعتراض ندارم، اعتراض دارم.

• شما آیا فیلم خوب می‌سازی؟ من به اینکه دیگران از روی عمد فیلم خوب می‌سازند اعتراض دارم.

• شما آیا در این سال‌ها جایزه کم گرفتی؟ من از اینکه در این سال‌ها در حوزه‌های مختلف به آدم‌های مختلف جایزه دادم ناراضی هستم.
یک منتقد، فیلم شما را اثری کم‌دیی خوانده است، نظر شما چیست؟

من اصلا برام مهم نیست و ان‌شاءالله هر کی این حرف را زده خرج دوا درمان بدهد و یک روز خوش ببیند و روی آب بخندد. همان‌طور که می‌بینید من برام مهم نیست، ولی امیدوارم زکیل بزنه.

• نظر شما درباره ابراهیم حاتم‌ی کیا چیست؟ من معروف‌ترین، هنرمندترین و فیلسوف‌ترین، کارگردان‌ترین و تنها ابراهیم حاتم‌ی‌کیای جهان هستم. چرا به این وقعی نمی‌نهدی؟ ایرانی‌ها چی دارند؟ ما یک منشور حقوق بشر-کُروش داریم، یک دریاچه ارومیه داریم، یک سی‌وسه‌پل داریم، یک پالایشگاه نفت داریم و یک ابراهیم حاتم‌ی‌کیا. آیا نباید اینها را کشف کنیم؟ آیا نباید قدر این کنجینه‌های ملی را بدانیم و هی بهشان جایزه بدهیم و بگذاریم روی سرمان و حلاوحلا کنیم؟

# روزنامه شتر

www.sharghdaily.ir

سه‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۳۹۶ • ۲۶ جمادی‌الاول ۱۴۳۹ • ۱۳ فوریه ۲۰۱۸ • سال پانزدهم • شماره ۳۰۸۵ • ۱۶ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۹ • اذان مغرب ۱۸:۰۲ • اذان صبح فردا ۵:۲۸ • طلوع آفتاب ۶:۵۳

### روزنامه‌فرو

fardashargh@gmail.com

#### کارتون خواب

محمدرضا ثقفی



#### گردشگر فرهنگی

### برادر، نظام مدافع می‌خواهد نه وابسته



لیلی فرهادپور

۲۲ بهمن‌ماه، آخر شب، ابراهیم حاتم‌ی‌کیا که تنها در گوشه‌ای از صندلی‌های ردیف اول اختتامیه جشنواره فیلم فجر نشسته بود، (صندلی‌هایی‌که برای مقامات رزرو شده بود و نه برای هنرمندان)، نام خود را برای جایزه بهترین کارگردانی شنید. بدون آنکه برعکس بقیه کارگردانان و سینماگران در سالن، دوروبرش هواخواهانی وجود داشته باشند تا رویش را بیوسند یا دستی برایش بزنند، عصبانی و شتاب‌زده روی سن رفت و سیمرغش را گرفته و ناگرفته میکروفون را اسلحه‌ای فرض کرد و رگبار



مسلسل را اول بر رشیدپور و بعد بر داوران و منتقدان و همه خالی کرد و گفت: «من فیلم‌ساز وابسته نظام هستم!» و بعد به‌راحتی عنوانی را که سال‌هاست متعلق به تنها نهاد رسمی امنیتی کشور است؛ یعنی «سربازان گمنام امام زمان» را برای مؤسسه‌ای استفاده کرد که به‌رحال کارش اقتصادی است و هزینه می‌کند و قرارداد می‌بندد تا «کالا»، بله کالای فرهنگی تولید کند و بفروشد. به کجا چنین شتابان حاج‌کاظم؟! آدم به‌خاطر ۳۰۰ صدتا مرغ که به همه‌چیز چوب حراج نمی‌زند! آن هم الان! اکنون که سیا و ترامپ و دارودسته‌های جهانی‌اش کرورکرور هزینه می‌کنند تا از معترضان در وطن و خارج از وطن، ضدوطن بسازند و حتی پرچم مملکت را به آتش بکشند. حاتم‌ی‌کیاجان! الان به نظرم این نظام بیشتر به مدافع احتیاج دارد تا به وابسته. چنین نگاه کن! صداسوسیمانیز به این درایت رسیده که اگر وابستگی را کنار نگذارد، اگر انتقاد نکند، اگر درست دفاع نکند، اگر به درآمد خودش متکی نباشد و همه تخم‌مرغ‌هایش را در سبد وابستگی بگذارد تا بودجه‌هایش تأمین شود، در این دنیا باخته است و برای همین است که برنامه‌های انتقادی مانند جنگ «حالا خورشید» و سریال‌هایی مانند «لیسانسه‌ها» می‌سازد، حتی اگر به قول «گل‌آقای» خدایبامرز سوافاف باشد. آقای حاتم‌ی‌کیا، برادر! ما در سوره‌ی‌اش هم مدافع حرم داریم، نه وابسته به حرم! ما به جنگ میان عراق و ایران هنوز که هنوز است می‌گوییم دفاع مقدس، نه جنگ مقدس. هنوز هیچ مقام این نظامی که به آن وابسته هستید، این‌گونه که شما به‌صراحت با لحنی تند ادعای ارث می‌کنید، نکرده است. حالا یکی به فیلم شما گفت کم‌دی! یکی به مؤسسه وابسته شما گفت ارگان! چه اتفاقی افتاده؟ این چه بنیاتی است که دارید می‌گذارید؟ به کجا چنین شتابان!؟

#### مغز اجتماعی-۸-

## دیدن یا ندیدن

بعدها روان‌شناسی خواند و به‌طور تصادفی، گذرش به کمبریج و آکسفورد در انگلیس افتاد و در دانشگاه آکسفورد استاد روان‌شناسی تجربی شد. هم‌اکنون، بیش از یک هفته‌ای نیست که از مرگ او در ۹۱ سالگی می‌گذرد. کار مهم «وایزکراتنس» در روان‌شناسی تجربی، یافتن پدیده‌ای مهم در بیماران با آسیب قشر مخی در ناحیه بینایی بود. او بسر این یافته مهم روان‌شناسی انگشت گذاشت که این آسیب‌دیدگان مغزی در ناحیه بینایی مغز با اینکه مطمئن هستند که در طرف مربوط به آسیب هیچ چیز را نمی‌بینند، ولی می‌توانند با بالاتر از شانس، اتفاقات حرکتی در میدان بینایی را گزارش کنند، درحالی‌که خودشان از این توانایی خود، اطلاع و آگاهی ندارند. به نظر می‌رسد که بخش‌های زیرین مغز که آسیب ندیده‌اند مسئول این توانایی بینایی به‌جامانده ناآگاهانه باشند. «وایزکراتنس» با کشف خود نشان داد که چون مدعیان روان‌شناسی بیگانه با مغز، نباید ضمیر ناآگاه انسان را ناگذاآبادی در بیرون از مغز انسان تصور کنند، بلکه ضمیر آگاه و ناگاه فرآیندی مغزی در پیوند و در خدمت یکدیگر هستند که تنها با آسیب می‌توان آنها را از هم جدا کرد. یادی از «لورنس وایزکراتنس» شاید هشاردی باشد برای روان‌شناسی حاکم، اما در غفلت که از کار مغز بیگانه مانده است.

#### آینه‌های روبه‌رو

#### گفت‌وگو با میرجلال‌الدین کزازی

## جشن ایرانی سرشت و ساختاری آیینی دارد

او به زندان می‌افکنند. یکی از سرداران رومی بدین دختر دل می‌بازد و هر دو جان بر سر این دل‌باختگی می‌نهند. خاستگاه جشن والتانین، این رخداد تاریخی است. اما آن چنان که گفته شد، جشن سیندارمذگان جشنی است که ایرانیان آن را در بزرگداشت سیندارمذ که یکی از امشاسپندان یا شش فرشته‌ی مهین در آیین زرتشتی است، برگزار می‌کرده‌اند. این شش فرشته به‌راستی شش ویژگی بنیادین اهورامزدا را به نمود می‌آورند. این شش فرشته یا شش ویژگی اهورامزدا با او شش سیندینه‌ترین بنیاد آیینی را پدید می‌آورند؛ شش سپندان سپند (قدس‌الاقداس). در میان این شش امشاسپند، تنها سیندارمذ در نمادشناسی کهن ایرانی مادینه یا زن است. ازهمین‌روی جشن سیندارمذگان که جشنی آیینی است؛ در آن امشاسپند را ارج می‌نهند و بزرگ می‌دارند. این جشن به جشن گرامیداشت زن هم دگرگونی یافته است.

• **با توجه به اینکه به‌رحال در ایران عده‌ای والتانین را جشن می‌گیرند، آیا ضرورتی وجود دارد که جشنی را که از اساس برگرفته از فرهنگی بیگانه است، جایگزین جشنی مثل سیندارمذگان کنیم؟**
بی‌هیچ‌کمان، پاسخخی که من به این پرسش می‌دهم، نه است. چرا می‌باید جشنی ایرانی، باستانی، یا پیشینه‌ای دیرینه را فرو بنهیم. جشنی نوپدید، تاریخی، نیرانی (غیرایرانی) را که از بیگانگان ستانده‌ایم، به‌جای آن بنهیم. در فرهنگ باخترینه، از آن‌روی که جشنی کهن، باشکوه، آیینی در گرامیداشت زن نبوده است، رخدادی تاریخی را بهانه‌ای دانسته‌اند در برگزاری جشن والتانین. اگر ما به رسم و راه‌ها و هنجارهای جشن سیندارمذگان نیز بنگریم، آشکارا می‌بینیم که این جشن بسیار مایه‌ورتر، گران‌سنگ‌تر، ناب‌تر و نزاده‌تر از جشن والتانین است. من بی‌کمانم که اگر مردمان دیگر کشورها با این جشن به‌گونه‌ای شایسته و سزاوار آشنایی داشته باشند، آن را با جشن والتانین بسنجند، جشن سیندارمذگان را برتر و گرامی‌تر از آن خواهند دانست، اگر با رایی روشن، اندیشه‌ای رها، به دور از تک‌بینی و خشک‌اندیشی این دو جشن را به پاس ارزندگی‌ها و والایی‌های فرهنگی با یکدیگر بسنجند.

#### دور دنیا

## پناه‌جویان روهینگیا و مصائب بی‌شمار

همچنین ردیابی خانواده‌ها و همسایگان که ممکن است مبتلا شده باشند، فقط بخشی از کار افراد شرکت‌کننده در برنامه داوطلبانه‌ای است که سازمان‌های مردم‌نهاد «غذا برای روه‌زشکی بین‌المللی» و «تیم پزشکی بین‌المللی» در مشارکت با کمیساری عالی پناهندگان سازمان ملل متحد به اجرا گذاشته‌اند. داوطلبانی مانند زعفر در حوزه ارتقای سلامت و بهداشت و همچنین تغذیه و سلامت جنسی آموزش دیده‌اند. کار آنها عبارت است از بازدیدهای خانگی و اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی در مورد روش‌های بهداشتی، این تیم‌ها علاوه‌بر دیفتری، برای تشخیص علائم وبا و سرخک نیز آموزش دیده‌اند. آنها پوشه‌ای حاوی تصاویر را با خود به خانه‌ها می‌برند تا به خانواده‌ها نشانه‌های خطر را به شکل گرافیکی نشان دهند. مراد امین، یکی از گردانندگان این پروژه، می‌گوید: «پناه‌جویان اغلب نمی‌دانند برای کمک به کجا مراجعه کنند. داوطلبان می‌توانند اطلاعات را ارائه دهند و یک شکاف مهم را پر کنند. آنها همچنین قرص‌های تصفیه آب را بین خانواده‌ها توزیع می‌کنند». درحال‌حاضر ۲۰ کارمند بهداشت عمومی در نایاپارا کار می‌کنند که حدود یک‌سوم آنها زن هستند و نام اکثر آنها به‌عنوان پناهنده ثبت شده است. دیفتری اگر درمان نشود، در نیمی از موارد ممکن است به مرگ منجر شود.



• **آیا آن‌گونه که عده‌ای می‌گویند، جشنی که امروزه با عنوان والتانین می‌شناسیم، در اساس از سیندارمذگان گرفته شده است؟**

جشن سیندارمذگان هیچ پیوند فرهنگی با تاریخی با جشن والتانین که در این سالیان جشنی فرآگیر شده است و کمابیش جهانی و آن را در بسیاری از کشورها برمی‌گزارند، ندارد. تنها پیوند در میانه‌ی جشن سیندارمذگان که جشنی باستانی و ایرانی است، با آنچه جشن والتانین نامیده می‌شود در این است که در این دو جشن، ما می‌بینیم که زن گرامی داشته می‌شود. به سخن دیگر این هر دو جشن‌هایی هستند که در بزرگداشت زن برگزار می‌شوند. جشن والتانین جشنی است که پیشینه‌ای دیرینه ندارد، مانند جشن سیندارمذگان که در ایران کهن، باشکوه برگزار می‌شده است. از سویی دیگر جشن سیندارمذگان مانند بسیاری از جشن‌های ایرانی سرشت و ساختاری آیینی هم دارد، اما جشن والتانین جشنی است که از رخدادی تاریخی مایه گرفته است. خاستگاه آن به رخدادی بازمی‌گردد که پایه‌ی آن دلبستگی سرداری رومی است به دختری ترسا در سده‌های میلادی؛ زمانی که رومیان ترسایان را می‌آزده‌اند، می‌گشته‌اند، ترسایودن از دید آنها گناهی نابخشودنی شمرده می‌شده است؛ به زمانی که رومیان ترسایان را شورش‌گرانی می‌دانسته‌اند که با جهان‌شاهی رومی درمی‌افتاده‌اند و می‌خواست‌اند آن را از میان بردارند، دختری ترسا را به گناه کیش



کادر پزشکی داوطلب در بنگلادش از پناهگاهی به پناهگاه دیگر می‌روند تا خدمات پزشکی و درمان را در اختیار پناه‌جویان قرار دهند. یکی از این افراد زعفر حسین نام دارد. او به دنبال نشانه‌های دیفتری می‌گردد. در پناهگاه نایاپارا در بنگلادش متوجه حال و وضع یک دختر ۱۷ ساله می‌شود. زعفر می‌گوید: «گردن او بسیار متورم شده بود و نمی‌توانست غذا بخورد. این نشانه‌ها با دیفتری مطابقت داشت. من یک پزشک را فراخواندم و او به بیمارستان منتقل و موردش به‌عنوان بیماری دیفتری تأیید شد». او ۱۳ سال دارد و یکی از ۴۴ نفر در میان پناهندگان روهینگیااست که داوطلبانه به‌عنوان کارکنان بهداشت محلی در شهرک‌های نایاپارا و کوکوتولونگ در جنوب‌شرقی بنگلادش مشغول به کار هستند. اقدام سریع او سبب نجات زندگی دختر و اطرافیانش شده است. دست‌کم ۶۸۸ هزار کودک، زن و مرد روهینگیایی از پنج ماه پیش و به‌دنبال بالافترن نشانه‌ها با دیفتری مطابقت داشت. من یک پزشک را فراخواندم و او به بیمارستان منتقل و موردش به‌عنوان بیماری دیفتری تأیید شد». او ۱۳ سال دارد و یکی از ۴۴ نفر در میان پناهندگان روهینگیااست که داوطلبانه به‌عنوان کارکنان بهداشت محلی در شهرک‌های نایاپارا و کوکوتولونگ در جنوب‌شرقی بنگلادش مشغول به کار هستند. اقدام سریع او سبب نجات زندگی دختر و اطرافیانش شده است. دست‌کم ۶۸۸ هزار کودک، زن و مرد روهینگیایی از پنج ماه پیش و به‌دنبال بالافترن نشانه‌ها در ناحیه مونگداو در بخش شمالی استان راخین به بنگلادش گریخته‌اند. بیشتر این جمعیت در دو سکونتگاه شلوغ در نزدیکی «کاکس بازار» پناه گرفته‌اند. حداقل پنج هزارو ۶۸ مورد مشکوک به بیماری تقسبی مسری در سکونتگاه‌ها گزارش شده است. ردیابی علائم بالقوه بیماری و موارد مراجعه به مراکز درمانی و